

ایران زندگی

گزارش «ایران» از واکنش مردم به تصمیم ستاد ملی مقابله با کرونا

جریمه‌ها اعمال شود، ماسک هم زده می‌شود



آمیر رحیمی / ایران

◀ **حمیده امینی فرد** خبرنگار

پای جرایم کرونایی بالاخره به تهران باز شد. بعد از تقریباً ۸ ماه از آمدن کرونا به کشور، دولت تصمیم گرفت تا در ازای تخلف شهروندان و اصفاف نسبت به رعایت پروتکل‌های بهداشتی جریمه نقدی تعیین کند. بنابراین از دیروز همه شهروندان تهران‌نشین موظف شدند از منزل ماسک بزنند.

جریمه نداشتن ماسک برای یک فرد سالم ۵۰هزار تومان تعیین شده، اما اگر ابتلای او به کرونا تشخیص داده شود، بنا به گفته سخنگوی دولت، جریمه‌های سنگین‌ترتری برای او اعمال خواهد شد. علی‌ریبعی که دیروز به ایستگاه متروی تئاتر شهر رفته بود تا از اولین روز اجباری شدن ماسک در پایتخت بازدید کند، تأکید کرد هر فردی که در آزمایشگاه کرونای او ثابت شود، با شیوه‌هایی مانند ردیابی موبایل کنترل می‌شود و در صورتی که از خانه خارج شود، برای او جرایم سنگینی در نظر گرفته خواهد شد. میزان این جریمه را انوشیروان محسنی بندپی، استاندار تهران، ۲۰۰ هزار تومان اعلام کرده است. هم اکنون ظرفیت همه‌تخت‌های بیمارستانی پایتخت به طور کامل پر شده است و بیمارستان‌ها انجام عمل‌های غیرضروری را به تأخیر انداخته‌اند.

آمار مرگ و میرها همچنان روی عدد ۲۰۰ (حدوداً) مانده و با وجود همه تذکرها، جاده‌های منتهی به شمال کشور در اواخر هفته متراکم می‌شود! طبق آخرین آمارها، رعایت پروتکل‌های بهداشتی اکنون به پایین‌ترین سطح خود یعنی ۴۲ درصد رسیده است. ایران در مقایسه با سایر کشورها بحث پرداخت جریمه نقدی را به عنوان آخرین راهکار دیده بود، اما سرانجام به اجرای آن تن داد. حمل و نقل عمومی همچنان به عنوان اصلی‌ترین عامل شیوع ویروس کرونا شناخته می‌شود، تقریباً

رئیس جمهوری در جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا اعلام کرد

جریمه خروج از قرنطینه ۲۰۰ هزار تومان؛ نزدن ماسک ۵۰ هزار تومان



President.ir

تاکسی‌ها نیز راننده خودرو اگر دستورالعمل‌های بهداشتی را رعایت نکرد، ۱۰۰ هزار تومان جریمه می‌شود و هر مسافری هم که بدون ماسک در تاکسی حضور یابد، راننده تاکسی به ازای هر مسافر ۲۰ هزار تومان جریمه خواهد شد.

دکتر روحانی افزود: در ادارات نیز حراست و بخش‌های نگهبانی موظف شده‌اند از ورود افراد بدون ماسک جلوگیری کنند و چنانچه تخلفی در این عرصه دیده شود، نگهبان و رئیس بخش مربوطه جریمه خواهد شد.

رئیس‌جمهوری همچنین در این نشست به اهمیت شناسایی سریع بیماران مبتلا به کرونا اشاره کرد و اظهارداشت: در این راستا به وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام شده که باید میزان تست‌ها افزایش یابد و دولت بودجه ۱۰ هزار تست اضافی را تأمین می‌کند.

دکتر روحانی گفت: ۱۰۰ میلیون دلار نیز برای خرید کیت‌هایی که در کوتاه‌ترین زمان و با روش‌های آسان‌تری مبتلایان به کرونا را شناسایی کند، اختصاص یافته است و همزمان نیز در داخل کشور در حال ساخت این نوع کیت‌ها هستیم و بزودی شاهد تحول بزرگی در حوزه تست افراد مشکوک به بیماری کرونا خواهیم بود.

رئیس‌جمهوری در ادامه با کاهش حساسیت‌ها در جمع خانواده‌ها و در نتیجه افزایش ابتلاهای خانوادگی ابراز نگرانی کرد و گفت: در موج اخیر افرادی که به بیمارستان‌ها مراجعه می‌کنند، موارد زیادی دیده می‌شود که پدر، مادر، فرزند، پدربزرگ و مادربزرگ همه با هم مبتلا شده‌اند

گزارش «ایران» از وضعیت محیط‌بانانی که پرونده جانباری آنها در پیچ و خم بوروکراسی اداری گیر کرده است



مردان سری

◀ **حسین ایمانی جاجرمی** دانشیار جامعه‌شناسی توسعه دانشگاه تهران

نگاهی به کشورهای دنیا نشان می‌دهد تقریباً همه آنها اقداماتی چون تعطیلی و فاصله‌گذاری اجتماعی را برای مقابله با همه‌گیری کووید۱۹ انجام داده‌اند و برای محدود کردن فعالیت‌هایی که زمانی آزادی‌های روزمره بود مقررات تعیین کرده و هنجارهای اجتماعی جدیدی چون پرهیز از دست دادن، بوسیدن و تجمع خلق شده است. با این حال همیشه آدم‌هایی پیدا می‌شوند که از اجرای مقررات سرپیچی می‌کنند.

با وجود محدودیت‌ها و درخواست‌ها و حتی التماس‌های مقامات بهداشتی به سفر می‌روند، ماسک نمی‌زنند و خلاصه حاضر نیستند رفتار خود را تغییر داده و با شرایط اضطراری تطبیق پیدا کنند. البته این مسأله خاص کشور ما نیست و کم و بیش در همه جا به چشم می‌خورد، پس با یک مسأله عمومی به‌نام «مقررات شکنی» مواجه هستیم. با این که چنین مسأله‌ای همیشه در همه جوامع وجود داشته است اما آن چنان که متخصصان رفتاری می‌گویند در جریان همه‌گیری ویروس کرونا برحسب عوامل فرهنگی، جمعیتی و روان شناختی، قانود شکنی شرایط بدی پیدا کرده و کسانی که مبادرت به این کار می‌کنند می‌توانند در چشم بقیه به‌عنوان آدم‌هایی خودخواه و خطرناک جلوه کنند. در کشوری مثل ژاپن که اجرای مقررات فاصله‌گذاری، بیشتر امری اجتماعی بوده تا سیاسی، بی‌توجهی به مقررات و به‌خطر انداختن جان دیگران می‌تواند با مجازات‌های اجتماعی سنگینی چون طرد و تحقیر اجتماعی مواجه شود. مسأله‌ای که برای فرد متخلف در کشوری با فرهنگ جمع‌گرا می‌تواند هزینه‌های سنگینی داشته باشد. می‌توان در مورد بی‌توجهی به مقررات عمومی در شرایط بحران، پرسش‌هایی طرح کرد و به آنها بر اساس دانش جامعه‌شناسی و رفتارشناسی پاسخ داد.

نخستین پرسش این است که چرا برخی آدم‌ها از مقررات عمومی سرپیچی می‌کنند و بقیه تابع مقررات هستند؟ یک عامل مهم در اینجا «فردگرایی» در مقابل «جمع گرایی» است. اگر آنی فردگرایی یا آزادی‌خواهی بیشتر باشد، احتمالاً افراد تمایل بیشتری به نادیده گرفتن مقررات دارند. در مقابل، در جوامعی که ارزش جمعی و تعهد اجتماعی قوی‌تر باشد، احتمالاً افراد تمایل بیشتری به رعایت مقررات دارند. این تفاوت می‌تواند در شرایط بحران، به‌ویژه در شرایطی که سلامت جامعه در خطر باشد، بسیار مهم باشد.

در سوگ سیاوش

◀ **بهرام قاسمی** سفیر ایران در فرانسه

در نوجوانی این صدای جادویی و آسمانی سیاوش بود که طعم شیرین غزل حافظ و سدی را رباعیات شعر و مولوی را از جنس نوع دیگری به کام ما تشنگان شعر و ادب فارسی شیرین‌تر کرد. تا سالیان متمادی سیاوش بود و همدم روزان و شبان آن دوران پریشان‌احوالی و همه قصه و تاریخ و حادثه و حوادث باز باید بنگارم «در سوگ سیاوش» و به تعبیر استاد شفیعی کدکنی، دیگر کیمیای کیمیا ایران که در فروتنی فردی بی‌مهاست که فروتنانه در پاسخ به پرسشی بیان داشت: «حق و وجد خود نمی‌دانم درباره استاد شجریان صحبت کنم. چون من در موسیقی شنونده مبتدی و بی‌فرهنگی هستم و استاد شجریان در موسیقی جایگاه حافظ در شعر را دارد». او را استاد بزرگ بی‌بدیل شفیعی کدکنی چنین گفته است ما را چه جرأتی و شجاعتی و دلیلی برای گفتن و نوشتن پیرامون استاد شجریان. نگارنده نیز اگر بی‌هیج دانشی در حوزه موسیقی، آواز و صرفاً به عنوان یک شنونده دائمی صدای ملکوتی شجریان یا همان سیاوش شجریان در نخست سعي به تحریر کلامی پیرامون استاد شجریان دارم تنها ادای دین به او و همه پارسی‌زبانان دلداه صدای رسای اوست.

پس سخن از هنر فاخر موسیقایی متعالی این نادره قرون و اعصار در فرهنگ ایران زمین را مطرح نخواهم کرد که صاحبظران حوزه موسیقی و آنان که طعم موسیقی و طنین ملکوتی نوع وزین درخشان آن را در پی سال‌ها تحقیق و مطالعه چند پیرامون آن سخن‌ها خواهند گفت، حتی نه به امروز و فردا که به سال‌های دور و قرون، چرا که استاد شجریان بخش بزرگی از فرهنگ و معرفت و هنر و ارزش‌های متعالی عرفانی وادبیاتی ماست و بوده و خواهد بود. ماندگار و یادگاری از دل این سرزمین.استاد شجریان هنرهای بسیار و بی‌شمار داشت و معتقدم سال‌ها وایام بسیاری باید و بیاید و بیایند و روند تا گوشه گوشه‌هایی در آیند واین کار بزرگان و اهالی مکاتب هنر ادبیات و موسیقی و فرهنگ غنی ایران است تا این اصل و مهم گوش‌ها نمایند.

استاد شجریان درست از نقطه و بزنگاهی که می‌رفت تا با تغییرات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی واجتماعی وجایگزینی هنر فاخر و ادبیات اصیل به خاموشی و کل نشسته، جامعه ما را از میراث عظیم ادبی و هنری خود دور نگاه دارد با به‌کارگیری صدای آسمانی و ملکوتی و



مردان سری

چرایی سرپیچی از مقررات پیشگیرانه در بحران کرونا

به‌نظر برخی روانشناسان برخی جوامع گرایش بیشتری به فردگرایی یعنی باور به اهمیت بیان حس هویت و ترجیح منافع فردی بر منافع جمعی دارند. آدم‌ها در فرهنگ‌های فردگرا تمایل به پس زدن مقررات و نادیده گرفتن تلاش‌های مقامات بهداشت عمومی دارند. هرچه این مقامات می‌کوشند تا با پیام‌های مربوط به خطرات ویروس و تقاضا برای گذشت و نوع دوستی با «تلنگر» رفتار را تغییر دهند، فردگراها گوش‌شان بدهکار نیست و به راهی که خود تشخیص می‌دهند می‌روند. اگر گفته شود که زدن ماسک کمک به محافظت از دیگران می‌کند، در فرهنگ‌های فردگرا، آدم‌ها فقط بی‌اعتنایی می‌کنند. قانون در چنین جوامعی نقش اساسی در تنظیم رفتارها دارد. جامعه نمی‌تواند اجازه دهد هرکس هر کاری که خواست انجام دهد و نظم عمومی را از طریق قانون اعمال می‌کند. اما در فرهنگ‌های جمع‌گرا احتمال بیشتری دارد که مردم آنچه را که به نفع همگان است انجام دهند زیرا منافع جمعی ارزش و اهمیت بیشتری نسبت به منافع فردی دارد. پرسش دوم به مسأله اعتماد و ترس می‌پردازد و اهمیت آنها را می‌پرسد. این دو عامل هم تأثیرگذاران مهمی روی رفتار آدم‌ها هستند. در جوامعی که با شکاف‌های سیاسی روبه‌رویند، مردم احتمالاً اعتماد کمتری به‌طرف مقابل می‌کنند و مسائل را از دیدگاه اردوهای دوست و دشمن می‌بینند.

اگر از مقامی خوششان بیاید به حرف او اعتماد می‌کنند اما اگر بدشان بیاید، تره هم برای حرف او خرد نمی‌کنند. مسأله خوش بینی و ترس هم هست. مقدار مناسبی از هر دو برای جامعه خوب است اما اگر هر کدام بیش از اندازه در جامعه شیوع داشته باشند ممکن است مشکلات و صدماتی را سبب شوند. برای مثال در شرایط کرونایی، خوش بینی و گفتن این که حالا طوری نمی‌شود می‌تواند فرد را به سمت ریسک پذیری‌هایی سوق دهد که به شکلی باور نکردنی خطرناک باشد. پرسش سوم به این اشاره می‌کند که چرا اجباری فاصله‌گذاری اجتماعی مشکل است؟ برخی متخصصان رفتاری می‌گویند که ما به اصطلاح «جانوران اجتماعی» هستیم، بدن و ذهن ما

۵

برای ارتباط طراحی شده است و همه‌گیری به شکل‌های زیادی علیه غریز ارتباطی ما عمل می‌کند.

هرچقدر گفته می‌شود که از تجمع و شرکت در مراسم گروهی خودداری شود، اما باهم دیده می‌شود که عده‌ای کار خودشان را می‌کنند. باید قبول کرد که مقاومت در برابر تمایل به گردهم آمدن و پیوندهای گروهی کار سختی است و به این آسانی‌ها که تصور می‌شود، نیست. پرسش چهارم می‌گوید اگر قانون شکنان در اقلیت هستند چرا نباید نسبت به آنها بی‌تفاوت بود؟ مسأله این است که در معضل جمعی بزرگی چون همه‌گیری کرونا که اکنون جوامع را گرفتار کرده است سرپیچی از مقررات حتی اگر کم هم باشد فرقی با قانون شکنی تعداد زیادی از آدم‌ها ندارد و قانون شکنان با وجود تعداد کم شان، اثر اقداماتشان بر بقیه وسیع و مخرب خواهد بود.

حال راه چاره چیست؟ یک راه این است که در ابتدا ببینیم جامعه از نظر فرهنگی در چه وضعیتی است؟ آیا ارزش‌های جمع‌گرا حاکم هستند یا در مقابل آن این فردگرایی است که بر جامعه سیطره یافته است. در جامعه جمع‌گرا راه مقابله با بحران کرونا، اعتماد به مردم و سازوکارهای اجتماعی است. داده‌ها نشان می‌دهند کشوری مثل ژاپن از این طریق موفق شده تا بحران را کنترل کند و دولت کار زیادی جز اعلام هشدار و درخواست همکاری از مردم نکرده است. در جامعه فردگرا اما باید قانون وارد عمل شود و با افراد خاطی برخورد کند. با این حال در جوامعی که نیاز به سازوکارهای قانونی دارد افراد از حقوق هم برخوردارند. برای مثال اگر دولت می‌خواهد کسب و کاری بسته شود باید از طریق مناسب جریان خسارت هم برای فردی که از منافع خود گذشته است انجام دهد. ایران با وجود آن که کشوری به نسبت جمع‌گرا محسوب می‌شود اما در سال‌های اخیر با سلطه پیدا کردن سازوکارهای سرمایه‌داری و تحولات ارزشی، بهشت به سوی فردگرایی در حال حرکت بوده است. بنابراین در این شرایط باید سیاست‌های مبتنی بر جمع‌گرایی و فردگرایی را در کنار هم برای مقابله با بحران جلو برد.

ممکن پرواز داد که دیگر به سادگی و سهولت جامعه فرهیخته و مردم دانا هر صدا را صدا و هر شعری از شعر و هر موسیقی را موسیقی نخواهند خواند و دانست.

استاد شجریان امروز محک و شاخص شناخت و درک و ادراک ما در این حوزه است و بدین سان او از زمره استایدی است در عصر حاضر که تکرارناشدنی‌اند و زمانه به راحتی چونان آنان را به خود نخواهد دید. همانگونه که تاکنون شیوع‌ها، حافظ و سعدی و خیام با همه ابعاد خاص خود تکرار نشده‌اند و نخواهند شد و تنها حافظ است که حافظ است و سعدی، سعدی و «شجریان» نیز «شجریان». از دید جهانی او بعد جهان فارسی‌زبانان استاد شجریان مظهر وحدت و منافع جمعی آنان است و عنصر وصل و پیوستگی و هم‌زبانی و همدلی نیز بوده و خواهد بود. استاد شجریان به تنهایی صدای واحد دل انگیز و لذیذر تمامی فارسی‌زبانان جهان بوده و هست و بی‌شک مظهر منافع و وحدت ملی ما ایرانیان نیز. استاد شجریان معنویت و عرفان را به ما آموخت؛ او زیباگزینی، زیباشناختی و زیبایی شعر گذشته و امروز ایران را به ما و به چشمانم و چه خوب آموخت و در عین حفاظت از اصالت و جایگاه والای آن، آن را به گونه‌ای چون معجزتی به میان جمع آورد و توسعه داد. آنچه او کرد هیچ کسی را یاری انجام آن نبوده و نخواهد بود.

استاد شجریان مانده است و می‌ماند و می‌خواند و می‌آموزد و پند و اندرز می‌دهد و همانگونه که تا ایران و ایرانی و زبان پارسی برنارک جهان درخشش خود را دارد مولوی و سعدی و حافظ و خیام و سایه و اخوان خواهند بود و همواره و گاهی از سایه می‌خواندم این بیت حزین را که «درا که جز به مرگ سنجیده قدر مر». اما اینکه می‌بنذارم اگر چه این کلام و سخن متین در بسیاری از موارد ربطی و معبری است به واقعیت، اما که در مورد استاد شجریان این کلام مصداق ندارد چرا که او در حیات برمر خود همواره با تحسین و تشویق‌های مردمی که قدردان هنر او بودند بطور فزاینده و ملموسی رودرو بود. بی‌شک استاد شجریان پاکیزه و منزّه زیست و دور از هر تزویر و درویی، آن گونه بود که بود و همواره محبوب. اینک رفته است و ما همه سوگواران او. او دیگر خود چونان پیشینیان بخشی از فرهنگ فاخر و ارزشمند و هویت و تمدن ایرانی اسلامی است. ماندگار و یادگاری از ایامی چند که با قدردانی و قدرشناسی مردمانی فرهیخته و برآمده از دل تاریخ کهن و با فرهنگ غنی خود در «شدن» و «رشد و نمو» و به کمال رسیدن اوج استاد شجریان نقشا‌ها آفریدند.